

لطفاً به تشبیه زیر، توجه نمایید:

خورشید مانند گلی زرد در آسمان نمایان شد.

ارکان تشبیه را مشخص کنید.

خورشید: مشبّه

گلی زرد: مشبّه‌به

مانند: ادات

وجه شبه: زردی و گردی

تشبیه را به یک تشبیه فشرده تبدیل کنید.

گل خورشید نمایان شد.

استعاره:

استعاره تشبیه بسیار فشرده‌ای است که در آن یا مشبّه‌به یا مشبّه به کار رفته‌است.

بنابراین، استعاره بر دو نوع است:

نوع اول: کاربرد مشبّه‌به در سخن.

نوع دوم کاربرد مشبّه در سخن (همراه با ویژگی و نشانه‌ی مشبّه‌به)

اکنون تشبیه یادشده را به استعاره‌ای تبدیل می‌کنیم که در آن تنها «مشبّه‌به» به کار رفته باشد:

استعاره:

گلی زرد در دشت آسمان نمایان شد.

می‌بینیم که در این جمله، مشبّه‌به (گلی زرد) به کار رفته و منظور از آن، خورشید (مشبّه) است.

گاه شاعر در یک مصراع تشبیه به کار می‌برد و در مصراع دیگر، آن تشبیه را به صورت استعاره می‌آورد:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم

وز این درخت همان میوه‌ی غم است برم

شاعر در مصراع اول، سر (موهای) خود را به درختی شکوفه‌دار تشبیه کرده‌است.

و در مصراع دوم، «این درخت» (مشبّه‌به) را به کار برده‌است و از آن «سر» (مشبّه) را اراده کرده‌است.

لطفاً در نمونه‌های زیر، تشبیه و استعاره را توضیح دهید.

۱) خانه‌ی دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه، رو نهد به ویرانی

خانه‌ی دل: دل به خانه تشبیه شده.

ادبیات دهم نأ کنکور

خانه در مصراع دوم: استعاره از دل

نامدش کشتن چراغ دریغ

۲) در چراغ دو چشم او زد تیغ

چشم: مشبه، چراغ: مشبّه

چراغ دوم: استعاره از چشم

وجه شبه: روشنایی

خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند

۳) نقش کردم رخ زیبای تو در خانه‌ی دل

خانه‌ی دل: تشبیه فشرده

خانه در مصراع دوم: استعاره از دل

آن نقش: استعاره از نقش رخ زیبای یار

از نگاهی دیگر می‌توان گفت:

وقتی شاعر «مشبّه‌یه» را به کار می‌برد و از آن «مشبّه» را اراده می‌نماید، نوعی مجاز به کار برده‌است که آن را مجاز با علاقه‌ی شباهت می‌گویند؛ مثلاً: در بیت زیر، شاعر واژه‌های «نرگس» و «گل زرد» را به ترتیب، به صورت استعاره یا مجاز با علاقه‌ی شباهت از «ستاره» و «خورشید» به کار برده‌است:

هزاران نرگس از چرخ جهانگرد

فروشد تا برآمد یک گل زرد

یعنی:

هزاران ستاره از آسمان غروب کرد تا یک خورشید طلوع کرد.

بنابراین هرگاه شاعر، واژه‌ای را به دلیل شباهت و از راه فرایند تشبیه، به جای واژه‌ای دیگر به کار ببرد، نیز نوعی مجاز به کار برده‌است که مجاز با علاقه‌ی شباهت یا استعاره نام دارد؛ مثلاً شاعر در بیت زیر، یک بار واژه‌ی «سرو» را در معنی حقیقی و یک بار در معنی مجازی (استعاری) به کار برده‌است:

هر که دید آن سرو سیم‌اندام را

ننگرد دیگر به سرو اندر چمن

واژه‌ی «سرو» در کدام مصراع در معنی استعاری (مجازی) به کار رفته‌است؟ توضیح دهید.

در مصراع اول، نهاده (حقیقی) مصراع دوم نانهاده (مجازی): استعاره از یار

قرینه: سیم‌اندام.

کلمه یا کلماتی را که نشان می‌دهند، واژه‌ای در معنای مجازی (استعاری) به کار رفته‌است، «قرینه» می‌گویند.

بنابراین، صفت «سیم‌اندام» نشان می‌دهد که واژه‌ی «سرو» در مصراع دوم، در معنای مجازی (استعاری) به کار رفته‌است.

اکنون در هریک از بیت‌های زیر، استعاره و قرینه‌ی آن را مشخص نمایید.

با حله‌ی تنیده ز دل، بافته ز جان

۱) با کاروان حله برفتم ز سیستان

حله در مصراع اول: حقیقی (نهاده)

در مصراع دوم: استعاری (نانهاده)

حله‌ی اول: ابریشم، حریر

حله در مصراع دوم: استعاره از شعر

قرینه: بافته شدن از دل و جان

ادبیات دهم ناکنکور

۲) باز امشب ای ستاره‌ی تابان نیامدی
باز ای سپیده‌ی شبِ هجران نیامدی
ستاره‌ی تابان و سپیده در هردو مصرع استعاره از یار درخشان‌چهره است.

قرینه: هجران و دوری و مورد خطاب قرار گرفتن.

۳) شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیبت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان در هم؛ گفتمی که خُرده‌ی مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش آویخته.

خرده‌ی مینا: سیزه‌ها، قرینه: بوستان، موضع.

عقد ثریا: خوشه‌های انگور، قرینه: تاک، آویخته.

۴) گفتا که مرو به غربت و می‌بارید
از نرگس تر به لاله بر مروارید

«نظامی»

نرگس تر: استعاره از چشم خیس

لاله: استعاره از گونه و صورت

مروارید: دانه‌های اشک

قرینه: مصراع اول.

۵) تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من
هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سرو روان: استعاره از محبوب

قرینه: در دل جا شدن و روان

۶) نه این برف را سر بازایستادن نیست
برفی که بر موی و ابروی ما می‌نشیند

برف، استعاره از موی سفید

قرینه مو و ابرو

گفتیم که استعاره بر دو نوع است:

نوع اول: کاربرد مشبّه به در سخن.

نوع دوم کاربرد مشبّه در سخن. (همراه با ویژگی یا نشانه‌ای از مشبّه‌به)

همه‌ی استعاره‌هایی که توضیح داده شد، از نوع اول؛ یعنی کاربرد مشبّه‌به بوده‌است.

اکنون می‌خواهیم استعاره‌ی نوع دوم یا کاربرد «مشبّه» در سخن را بررسی کنیم.

به تشبیه زیر برمی‌گردیم:

خورشید مانند گلی زرد، در آسمان نمایان شد.

اکنون، تشبیه یادشده را با کاربرد مشبّه در سخن، به استعاره‌ی نوع دوم تبدیل کنید...

خورشید در آسمان نمایان شد.

آیا می‌توانیم «فرایند تشبیه» را در جمله‌ی «خورشید در آسمان نمایان شد» ببینیم؟!

مسئلاً خیر،

زیرا در استعاره‌ی نوع دوم، مشبّه به‌تنهایی به کار نمی‌رود بلکه همواره با یک ویژگی یا نشانه‌ای از مشبّه‌به همراه است که فرایند تشبیه را نشان می‌دهد.

ادبیات دهم نأ کنکور

بنابراین می‌گوییم:

خورشید در دشت آسمان شکوفا شد.

خورشید به گل تشبیه شده و شکوفا شدن به آن نسبت داده شده‌است.

بدین‌سان، خورشید (مشبه) را همراه با «شکوفا شدن» که ویژگی یا نشانه‌ای از «گل» (مشبه‌به) است، به کار برده‌ایم تا بیانگر فرایند تشبیه در این سخن باشد.

در استعاره‌ی نوع دوم، «مشبه» با شیوه‌های گوناگون با ویژگی یا نشانه‌ی مشبه‌به همراه می‌شود:

۱- مشبه + گزاره‌ی مربوط به مشبه‌به:

خورشید در آسمان لبخند می‌زند:

خورشید: مشبه

لبخند زدن: ویژگی مشبه‌به (انسان)

یا:

چهره‌اش شکفت.

چهره: مشبه

شکفت: گزاره‌ی مربوط به مشبه‌به

(چهره‌اش چون گل شکفت.)

۲- عضو یا ویژگی مشبه‌به + مشبه:

گلبرگ‌های خورشید از پشت کوه نمایان شد.

گلبرگ‌ها: عضو یا ویژگی «گل» (مشبه‌به) هستند.

خورشید: مشبه

یا:

دست سرنوشت

سرنوشت: مشبه

دست: ویژگی مشبه‌به (انسان)

نکته:

به این شیوه که به صورت ترکیب اضافی، عضو یا ویژگی مشبه‌به به مشبه اضافه می‌شود، **اضافه‌ی استعاره‌ی** می‌گویند.

توجه:

در دو شیوه‌ی بالا، هرگاه مشبه‌به، انسان باشد، به استعاره‌ی نوع دوم، «**تشخیص**» هم می‌گویند.

۳- منادا شدن مشبه غیر انسان:

ای خورشید صبحگاهی!

یا:

ای قلم!

ادبیات دهم ناکنکور

نکته ۱: در این حالت، استعاره‌ی نوع دوم، همواره تشخیص است.

نکته ۲: گاهی ممکن است واژه‌ای که استعاره‌ی نوع اول از انسان (معمولاً معشوق) است، منادا واقع شود که در این صورت، دیگر تشخیص نیست؛ مثال:

ای غنچه‌ی خندان، چرا خون در دل ما می‌کنی خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر وامی‌کنی

که در این بیت، «غنچه‌ی خندان» منادا شده‌است؛ اما چون استعاره از معشوق (یار) است، تشخیص نیست.

اکنون با توجه به مطالب یادشده، استعاره‌ی نوع دوم را در بیت‌های زیر توضیح دهید.

(۱) باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

سلام باغ.

قیام سرو.

پیاده رفتن سبزه.

سواره رسیدن غنچه.

باغ مثل انسانی سلام می‌کند.

(۲) هزار نقش برآرد زمانه و نبود

یکی چنان که در آیینی تصویر ماست

نقش برآوردن زمانه، زمانه به نقاش تشبیه شده‌است.

(۳) نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

نفس باد صبا

عالم پیر

(۴) ای آبشار، نوحه‌گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده، ز اندوه کیستی

ای آبشار: استعاره‌ی نوع دوم، تشخیص

(۵) ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست

ای نسیم سحر: استعاره‌ی نوع دوم، تشخیص

(۶) کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

رخ اندیشه

زلف سخن

خودارزیابی:

۱- در بیت‌های زیر، استعاره‌ها را مشخص کنید.

الف) کی‌ام شکوفه‌ی اشکی که در هوای تو هرشب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم

چشم ناله: اضافه‌ی استعاری و تشخیص

روی شکوه: اضافه‌ی استعاری و تشخیص

ادبیات دهم نا کنکور

ب) ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی
پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی
ای باد بامدادی:

منادا شدن باد بامدادی، استعاره‌ی نوع دوم و تشخیص.

پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را
خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را
گل تازه: استعاره‌ی نوع اول از معشوق
سرزنش خار: استعاره‌ی نوع دوم

ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید
در رهگذار باد نگهبان لاله بود
نکاشت مهر:

گزاره‌ی «کاشتن» به «مهر» نسبت داده شده‌است؛ بنابراین، مهر به دانه یا گیاهی تشبیه شده‌است. (استعاره‌ی نوع دوم)
ز خوبی گلی نچید: استعاره‌ی نوع دوم؛ خوبی به درختی تشبیه شده‌است که گل دارد.

ث) شب ایستاده‌است/ خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره‌ی من

به واژه‌ی «شب» گزاره‌های انسانی نسبت داده شده‌است؛ بنابراین، شب به «انسان» تشبیه شده‌است و استعاره‌ی نوع دوم و تشخیص دارد.

ج) آینه‌ت دانی چرا غماز نیست
ز آن‌که زنگار از رخسار ممتاز نیست

«آینه» استعاره از «دل» و «زنگار» استعاره از «هوا و هوس» است.

می‌توان آن‌ها را به دو تشبیه فشرده تبدیل کرد:

آینه‌ی دل، زنگار هوا و هوس

می‌دانی چرا آینه‌ی دلت، اسرار و حقایق معنوی را نشان نمی‌دهد، زیرا زنگار هوا و هوس از روی آن، زدوده نشده‌است.

چ) دهقان سال‌خورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من، به جز از کشته ندروی

نور چشم، استعاره از «فرزند» است و با این که منادا واقع شده‌است، تشخیص نیست.

«کشته» نیز می‌تواند استعاره از اعمال باشد.

۲- تشبیه‌ی را که در بیت زیر به کار رفته‌است، بیابید و از آن یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید.

دگر باره خیاط باد صبا
بر اندام گل دوخت رنگین قبا

باد صبا به خیاط تشبیه شده. (خیاط باد صبا)

باد صبا بر اندام گل قبای رنگینی دوخت.

۳- استعاره‌ها را در بیت زیر بیابید و هر یک را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید
ژاله‌ی صبحدم از اشک

ژاله‌ی صبحدم: استعاره از اشک

نرگس تر: استعاره از چشم

ژاله‌ی صبحدم: دانه‌های اشک همچون قطره‌های شبنم صبحگاهی، می‌درخشند.

ادبیات دهم نأ کنکور

نرگس تر: چشم گریان همچون نرگس تر است.

۴- ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن‌واژه‌های بیت را مشخص کنید.
ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
اَوَّل و آخر این کهنه کتاب افتاده‌ست

یکی از ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی، کاربرد تعبیرها و تصویرهای بدیع است؛ در این بیت، تشبیه جهان به کتابی کهنه که آغاز و پایان آن افتاده است، بیانگر این ویژگی است.

پایه‌های آوایی بیت:

ما ز آغاز ز انجام جهان بی‌خبریم

اَوَّلُ أآخر این کُهنه ن کتابتادست

وزن‌واژه‌های بیت:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

ابرگروه دبیران ادبیات کشور

تهیه، تنظیم و کارگاه با:

دکتر یعقوب کیانی

ادبیات دهم نأ کنکور

:Tag

adabiate10@

:Link

<http://jvan.me/124Y>

PDF نسخه شهبان